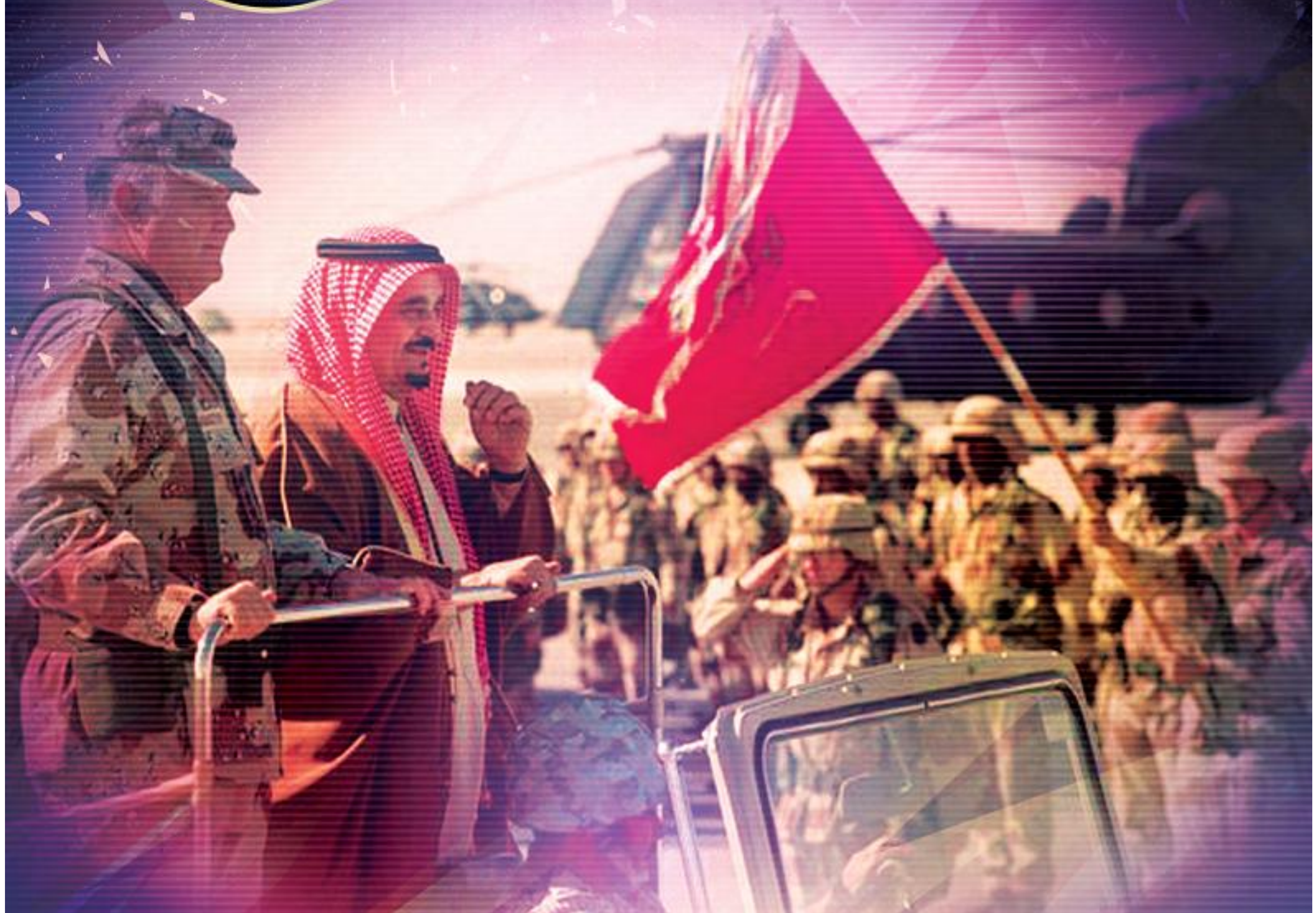
لا إله إلا الله
الغربـــاء
للإعلام
صدى الحق
•AR•



آیا مکه دار الکفر است ؟!

للشيخ المجاهد
أبو أسـامة الغـريب
فك الله أسره

ترجمه
أبو مصعب الخراسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه فارسي

1435هـ 2014م

الغرباء للإعلام

بسم الله الرحمن الرحيم

آيا مکه دار الکفر است؟!

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على الصادق الأمين و على آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

أما بعد:

بسیاری از برادران نامه های برایم فرستاده بودند و از من خواستار نوشتن رد بر أبو الحسین نام که یکی از دعوت گران ارجاء در کشور آلمان است گردیدند ، که زهر خویش را به زبان آلمانی در میان امت مسلمان عجم انتشار میدهد ، و از جمله دعاوی وی یکی اینست که در حال حاضر مکه دار الاسلام است ، و برین عقیده خویش پابند بوده و بر مخالفین خویش از کسانیکه میگویند مکه در حال حاضر دار الکفر میباشد شدیداً انکار و اعتراض میکند و در حق ایشان بدگوئی مینماید و آنان را به جهل و خارجی بودن و تکفیری بودن و غیره چنین اوصاف یاد کرده و متهم میسازد.

بناً برای احقاق حق و توضیحات روشن درین مسئله و برداشتن پرده از بالای حقایق و قبول درخواست برادران موحد ما خواستم بگویم:

این قضیه از جمله قضایای است که علماء و مشائخ ما اعم از سلف و خلف امت در مورد آن توضحات مفصل و واضیح ارایه کرده اند ، که الحمد لله همه آنها منشر و قابل دسترس میباشد.

و ادعای متذکره مبنی برین که مکه دار الکفر نیست یك ادعای واهی و غیر مستند به دلایل شرعی است ، که چنین سخن گفتن ناشی از هوای نفس و در دفاع و ترفیع از طواغیت حکم در شهرهای بطور عموم و بلاد حرمین بطور خاص میباشد.

و قبلاً ما در حدود چهار سال قبل با بعضی از برادران مناظره ای را بالای سه قضیه مهم ذیل براه انداخته بودیم:

1 - حکم زمامدارانی که شریعت (قوانین) الله را تبدیل کرده و قوانین غیر آنرا میسازند و بر شهر های مسلمانان نافذ میگردانند.
2 - حکم دولت سعودی و زمامداران آن.
3 - احکام دیار (سرزمین ها) و اینکه آیا مکه دار الکفر است یاخیر؟!

و همینطور در مقابل مردم چندین بار آمادگی خویش را به مناظره با أبي الحسین و امثال اش از دعوت گران ارجاء در هر مکانی که هستند و هر زمانی که میخواهند اعلان کرده ام ، و برین ادعای ما بسیاری از برادران گواه هستند ، که همچنان یك بار برایش در خلال دورس خویش از طریق بالتوك (pal talk) به زبان آلمانی اعلان مناظره کردم و این پیام برای أبي الحسین همچنان رسیده بود.

که این شخص بعداً در جواب ما و سایر برادران را از داخل شدن در (pal talk room) خویش منع کرده و دعوت ما را به مناظره همچنان نپذیرفت ، و برعکس ما را به جهل و خارجی بودن متهم کرده و گفت: اگر میخواهید با من صحبت کنید اولاً بیآید و از من بیآموزید بعداً باهم صحبت میکنیم!!

و این حادثه را بسیاری از برادران که او را میشناسند و با او دریك شهر زندگی میکنند به خاطر دارند ، و موضع چنین دعوت گران اهل ارجاء را که کبر و سرکشی ایشانرا از مناقشه و مناظره علمی فرا گرفته است به چشم دیده و تشخیص داده اند.

و همچنان بخاطر دارم که یکی از برادران ما در آن روز ها در یکی از مساجد در آلمان جهت ادای نماز رفته بود – چون به مسجد داخل شد امام ایشان در مقابل وی آمد ، که او همچنان از جمله متأثرین از مرجئه عصر بود و برایش گفت: [شنیده ام که تو میگوئی مکه دار الکفر است و ساکنین سعودی بصورت عام و از مکه و مدینه بصورت خاص کافر هستند ، آیا این حرف صحیح است؟!].

این برادر ما خندید و برایش گفت: این همه برای بخاطر آن از من میپرسید که آیا من را بگذرید درینجا نماز بگذارم یا نه؟

او گفت: جواب من را بده!

این برادر ما برایش گفت: در مورد بخش اول سؤال ات باید بگویم: بلی من این را گفته ام ، و این قول من نه بلکه قول أهل علم میباشد ، که دار حکم احکامی را میگیرد که غالباً در آن جاری است و نافذ میبیاشد ، اگر احکام اسلام در آن نافذ و جاری بود پس آن سرزمین دار الاسلام و اگر احکام کفر در آن نافذ و جاری بود پس آن سرزمین دار الکفر است ، و این حکم هیچگونه ارتباطی با ساکنین سرزمین ندارد.

اما قول تو برین که من اهل مدینه و مکه و آنچه را سعودی مینامند کافر گفته ام ، از بزرگ ترین افتراء ها و دروغ های است که شنیده ام و در حیات خویش چنین چیزی را نگفته ام ، بلکه نظر به ظاهر حالشان شهادت به اسلام شان میدهم و خفاء شان را به الله وامیگذارم ، جز آنانکه کفر خویش را بدون مانعی از موانع شرعی که باعث رفع تکفیر از او میشود آشکار سازد [که در آنصورت وی را تکفیر میکنم].

و تسمیه تو برین شهرها بنام سعودی نیز افتراء است ، زیرا آنجا ملك و زمین شخصی آل سعود نیست بلکه بلاد حرمین[1] و جزیرة العرب میباشد.

و چونکه برادر ما بخاطر نزدیکی فوت وقت نماز عجله داشت برایش گفت: بگذار نماز بخوانم بعداً باهم صحبت میکنیم.

او گفت: نه تا زمانیکه من درینجا امام هستم برای هیچ خارجی و تکفیری اجازه خواندن نماز را درین مسجد نمیدهم.

و همه اقدام به خارج ساختن این برادر ما از مسجد کردند ، بلکه او را همچنان در صورت داخل شدن دوباره به این مسجد تهدید به احضار پولیس طاغوت آلمانی کردند.

---

[1] . شهر های حرام . و وجهه تسمیه آن نیز آیت است که الله متعال مکه را حرم نامیده است ، و نبی صلی الله علیه وسلم نیز فرموده است : ان الله حرم لکم مکة و أني حرم لکم هذا البلد یعنی المدینة.

که این عمل بیانگر جهل و نادانی عجیب این مردم و انعدام حجت ازیشان میباشد ، زیرا واضح و آشکار است که اصل در احکام شرعی توقف و متابعت از دلیل میباشد نه هوای و هوس و آراء و نظریات فردی هر شخص ، زیرا اگر دین به رأی و عقل میبود پس مسح کردن بر کف کشف ضروری تر نسبت به مسح کشیدن بر روی آن می بود ، همانطوریکه علی بن أبي طالب رضی الله عنه این سخن را گفته است[2].

و شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمه الله میگوید: و علم یا با نقل صحیح و تصدیق شده و یا با سعی و کوشش محقق حاصل میشود و آنچه سوای این دو حاصل شود جز هذیان و دزدی نیست.[3]

اما در رابطه به این موضوع باید بگویم که هچگونه رابطه ای میان دیار و ساکنین آن وجود ندارد ، و ما نمی توانیم بگویم که بخاطر آنکه ساکنین یك دیار کفار هستند پس آنجا دار الکفر یا بخاطر آنکه اصل در مردم کفر است پس سرزمین ها همه دار الکفر هستند – بدون آنکه میان دار الکفر اصلی و طارئ فرقی قائل شده باشیم – و اگر چنین گفته شود پس اینچنین مقوله ها و امثال آن از گفته های اهل غلو و جهلالت بوده و ما از ایشان و از یاران شان براءت خود را اعلان میکنیم.

مثلاً زمانیکه صحابه رضوان الله علیهم و ارضاهم مصر را فتح کردند پس آنزمان مصر داخل دارالاسلام کردید و حکم دارالاسلام را به خویش گرفت ، با وجود آنکه اغلبیت ساکنین آن مسلمانان نبودند؛ و همینطور وجود و کثرت مسلمان در مکه بعد از هجرت نبی صلی الله علیه وسلم مانع اطلاق اسمی و حکم دار الکفر بر آنجا نشد.... و الله متعال میفرماید: **{وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ}** .

---

[2] . رواه أبوداود ، أنظر اعلام الموقعين للإمام ابن القيم رحمه الله 47/1. همچنان از عمر بن خطاب روایت است که در مورد اهل رأی میگوید: أياكم و أصحاب الرأى فإنهم أعداء السنن أعيتهم الأحاديث أن يحفظوها فقالوا بالرأي فضلوا و أضلوا – الدار قطني 4280. انظر فتح الباري 289/13.

[3] . و العلم إما نقل مصدق و إما بحث محقق ، و ما سوى ذلك فهذيان مسروق. الاستغاثة الكبرى 628/1.

پس درينجا با وجود آنكه آنان در آنوقت در مكه – يعنى دار الكفر – بودند الله تعالى ايشارا مؤمنين خطاب كرده است.

و هنگاميكه نبى صلى الله عليه وسلم خير را فتح كرد ، ساكنين آنجا همه يهوديان بودند ، آنگاه خواست ايشان را در جهت كشت و زراعت آنجا پذيرفت و بعداً زراعت اين منطقه نيك نيز گرديد ، اما آنجا بدليل غلبه مسلمان و عُلو احكام اسلام حكم دار الاسلام را بخود گرفت.

و در مقابل زمانيكه أسود العنسي در يمن دعوى نبوت كرد و قوم اش با او يكجا مرتد گرديدند و از او پيروى كردند تا جائيكه در شهر صنعاء حاكم شدند ، و والى يمن شهر بن باذان را أسود العنسى بقتل رسانيد كسيكه نبى صلى الله عليه وسلم او را به ولايت آنجا گماشته بود ، و بعضى از واليان نبى صلى الله عليه وسلم از آنجا به طرف مدينه فرار كرده بودند تا آنكه در مورد أسود العنسى و كسانيكه با يكجا مرتد شده بودند طلب مشورت نمايند ، اما در آن هنگام مسلمان تحت حكومت أسود در تقيه[4] قرار داشتند ، و با وجود بقاء شان در دار الكفر و دار الردة و عدم فرار شان به دار الاسلام كافر نگرديدند ، بلكه از ميان آنان كسانى چون فيروز ديلمى و اصحابش بودند كه از خويش استقامت و ثبات نشان دادند و با أسود و لشكريانش به قتال پرداختند تا آنكه أسود را به قتل رسانيدند و لشكريانش را شكست دادند و غلبه مسلمانان و احكام اسلام را دوباره در يمن اعاده نمودند – و اين واقعه در زمان حيات نبى صلى الله عليه وسلم بوقوع پيوست و بر هيچ يك از افراد انكار نكرد-.

و همچنان هنگاميكه مصر به دست عبيدى هاى كافر سقوط كرد و ايشان در آنجا سلطه يافتند و حكومت را بدست آوردند ، پس آنزمان مصر بعداز آنكه دارالاسلام بود به دارالكفر و دار الردة مبدل گرديد ، در حاليكه اكثريت ساكنين و اهل آنجا را مسلمانان تشكيل ميداد[5].

---

[4] . أنظر البدائية و النهاية 308/6.

[5] . نقل شده با تصرف از كتاب (الرسالة الثلاثينية) از شيخ أبي محمد المقدسي – حفظه الله .

پس ضابطه حکم بر سرزمین (دیار) ظاهرش میباشد ، و آن همانا غلبه احکام و ظهور آن است طوریکه سیادت و سلطه و حاکمیت از همان احکام باشد.[6]

قاضی أبویعلی رحمه الله میگوید: هر سرزمین که در آن سلطه و حاکمیت احکام کفر بغیر از احکام اسلام باشد آنجا دار الکفر است[7].

و امام مالك رحمه الله در مورد مکه قبل از فتح آن میگوید: و این سرزمین زمانی دار حرب بود ، زیرا احکام جاهلیت در آنجا حاکم و آشکار بود[8].

و ابن حزم رحمه الله میگوید: انتساب حکم بر سرزمین بر اساس حاکمیت و حاکم و صاحب آنجا میشود[9].

و امام ابن قیم رحمه الله میگوید: آنجائیکه احکام اسلام در آن جاری نباشد دارالاسلام بوده نمیتواند هرچند قبلاً دارالاسلام بوده باشد ، طوریکه طائف نزدیك ترین مکان به مکه بود اما با فتح مکه طائف دار الاسلام نگردید[10].

و سرخسی رحمه الله میگوید: انتساب دار (سرزمین) به ما (یعنی: مسلمانان) و ایشان (یعنی:کفار) به اعتبار غلبه قوت و حاکمیت میباشد[11].

و شوکانی رحمه الله میگوید: اعتبار (دیار) با ظهور کلمه[12] است ، اگر امر و نهی در سرزمینی از اهل اسلام باشد ، پس آن دیار دارالاسلام است ، و ظهور آثار و اعمال کفری (کوچك) آسیبی به شخصیت آن دیار نمیرساند ، زیرا چنین چیزها مظهر قوت و منعت کفار نمیباشد ، همانطوریکه چنین اعمال و آثار از یهودیان و نصاریان و مشرکین

---

[6] . جونة المطيبين / للشيخ أبي قتادة الفلسطيني – حفظه الله تعالى.

[7] . المعتمد في أصول الأحكام ، ص276.

[8] . المدونة 22/2.

[9] . المحلى 200/11.

[10] . احكام أهل الذمة 366/1.

[11] . المبسوط 114/10.

[12] . منظور از کلمه – مستفاد آیت کلمة الله هي العليا ....و کلمة الذي کفر سفلى میباشد.

اهل ذمه و معاهدين ساكن در شهر های اسلامی مشاهده میشود ، و اگر امر برعکس این بود پس دار نیز برعکس آن است[13].

و بغدادي در [أصول الدين][14] ، حسن الشيباني در [السير الكبير][15] و [كشاف القناع][16] نيز چنين ميگويد[17].

و همچنان همين قول از علماء دعوت نجدى نيز روايت است ، همانطوريكه شيخ حمد بن عتيق رحمه الله ميگويد: آنچه را محقيق درين زمينه مقرر كرده اند و من از آن اطلاع يافته ام اينست كه هرگاه در سرزمينى شرك [و كفر] ظهور كند ، و اساسات و نشانه هاى دين تعطيل گردد ، آن سرزمين و ديار دارالكفر ميگردد.

و همچنان ميگويد: و چون شرك [در ديارى] ظهور كند مانند؛ دعاء يا استغاثه به كعبه ، و مقام [ابراهيم] و حطيم ، و استغاثه انبياء و صالحين...و يا عام شدن توابع شرك و كفر مانند؛ زنا ، و ربا و انواع ظلم و فحشاء ، و ترك و توهين [و طعن] به سنت ، و عام شدن بدعت و احداثات ، و تحاكم به امراء ظلم و برزگان مشركين و طواغيت ، و دعوت بسوى غير قرآن و سنت...پس معلوم است كه اين سرزمين هر سرزمينى كه باشد بدون كوچكترين شك و ترديد از نظر كسيكه حتى در ادنى ترين مرحله تحصيل علوم دين قرار داشته باشد اينگونه سرزمين ها سرزمين و دار لكفر و شرك ميباشد ، و هيچگونه تأويل و توجيه اى وجود ندارد كه ايشان دشمن توحيد و مساعدين در تباهى دين و تخريب شهرهاى مسلمين نيستند ، و اگر خواستيد بالاى اين كار هاى ايشان اقامه حجت و دليل نمايد همه قرآن دليل و حجت برايشان ميباشد ، و همچنان علماء بر چنين حكمى

---

[13] . السيل الجرار 575/4.

[14] .ص 270.

[15] . 251/1.

[16] . 38/3.

[17] . همه اقوال به نقل از (جؤنة المطلبيين) و (الرسالة الثلاثينية).

برین دیار اجماع دارند و نزد هر عالم این یك امر ضروری و غیر قابل انکار در دین میباشد.[18]

و اگر در کلام شیخ حمد رحمه الله تأمل صورت گیرد با تجرید فهمیده میشود که بحق منظورش طواغیت [آل سلول[19]] میباشد.

و همینطور علماء دعوت نجدیه (طوریکه از صحبت هایشان معلوم میشود «جزیرة العرب بشمول مکه و مدینه» نزد ایشان دار کفر بوده است زیرا ایشان در امراء و رؤسا کفر و در و وضع قوانین طاغوتی و نافذ ساختن آنها بالای خون و مال مردم همه مخالفت و تناقض با نصوص شرعی را میدیدند ، طوریکه هرگاه این حکام در قضیه ای مواجه میشدند کتاب الله را پشت سر خود میانداختند و بطرف قوانین وضعی میرفتند)، همانگونه ای که شیخ عبداللطیف آل الشیخ – رحمه الله میگوید[20].

و شیخ سلیمان بن سمحان رحمه الله در شعری میگوید:

إذا ما تغلب كافر متغلب على — دار إسلام و حل بها الوجل

و أجرى بها أحكام كفر علانيا — و أظهرها فيها جهاراً بلا مهل

و أوهن بها أحكام شرع محمد — ولم يظهر الإسلام فيها و ينتحل

فذي دار كفر عند كل محقق — كما قال أهل الدراية بالنحل

و ما كل من فيها يقال بكفره — فرب امرئ فيها على صالح العمل[21]

---

[18] . الدرر السنية 9/260-261 به نقل از جؤنة المطيبين.

[19] . مراد نویسنده از آل سلول – آل سعود- است. والله اعلم.

[20] . الدرر السنية 3/67 نقلته عن جؤنة المطيبين.

[21] .به نقل از (رسالة الثلاثنية).

[هنگامیکه کافر غالب و صاحب سلطه ...بر دار الاسلام گردید و قدرت توانا (حاکمیت) را بدست آورد].

[و هنگامیکه احکام کفر بصورت آشکار در آن جاری بود.....و با خاطر جمعی تمام علناً آنرا ظاهر ساختند].

[و در مقابل احکام شریعت محمد صلی الله علیه وسلم ساده گرفته شود....و اسلام را هرگز ظاهر نسازند و بربایند].

[دار کفر در نوع خود خاص و بینظر است نزد هر محقق.....همانطوریکه درینمورد اهل علم و درایت به سرزمین ها سخن گفته اند]

[و جز به کفر این دیار هیچ یك ازیشان سخن نگفته اند.......هرچند صاحب عمل یا امیر آنجا بر عمل صالح و نیك قرار داشته باشد].

این بعضی از گفته های اهل علم و درایت در دین بود که تأکیداً خواستیم آنرا درینجا ذکر کرده و به آنها در موضوع حاضر استناد کنیم ، و آنچه ما را بیشتر وادار به نقل این سخنان کرد کتب بعضی از مشایخ این منهج درین زمان بود که از فتن و اتهامات مرجئه عصر به غلو و خارجی بودن در امان نمانده اند ؛ تا آنکه برای خواننده صحت منهج این علماء واضیح شود که ایشان به طریق و روش سلف صالح رحمهم الله بدون انحرافی قرار داشته اند.

پس ای برادر خواننده این امر همانطوریکه مشاهده میکنی قول جمهور علماء از سلف و خلف امت میباشد ، اما سخنان اکثریت از مخالفین درین عصر هیچ استنادی جز هوای و آراء نفسانی ندارد و مساوی است که ایشان از غلاة مرجئه عصر ویا خوارج باشند.

پس قول بر خلاف آنچه بیان کردیم به معنی حکم به اعتبار مردمان ساکن دار یا سرزمین میباشد ، هرچند این حکم باعث تکفیر مسلمانان گردد و یا حکم به اسلام کفار ، و این کاملاً سخن باطلی است.

زیرا اغلب سرزمین های مسلمانان امروز در قید تسلط کفار و حکام مرتد قرار دارد ، که شریعت الله را تغیر داده اند ، و با دین الله و اولیاء او به دشمنی پرداخته اند ، دعوت گران توحید و مؤحدین را به زندان ها میاندازند و مجاهدین را یکجا در ائتلاف با صلیبی ها و یهودیان در حرب بر ضد اسلام و مسلمانان بقتل میرسانند.

و این يك ادعای محض نیست بلکه امر واضح و آشکار در بلاد حرمین میباشد ، حکم بغیر ما انزل الله و تبدیل شریعت الله ، فروختن شهر های مسلمانان به لشکر صلیبی برای خدمت به صلیب و ساختن پایگاه های نظامی صلیبی جهت حرب و قتال با مسلمانان ، قتل علماء و مجاهدین و مؤحدین ، مانند؛ برادران ما عبدالعزیز المعثم ، و ریاض الهاجري

، و مصلح الشمراني ، و خالد السعيد ، و عبدالعزيز المقرن ، شيخ يوسف العييري- رحمهم الله و تقبلهم- همه از موارد و امور كفرى و شركى ميباشد.[22]

در حاليكه همه اين اشخاص محض جهت ارضاى صليبى ها بقتل رسانيده شده اند ، و هيچ گناهى نداشتند جز اينكه از جمله مجاهدين [و مؤحدين و دعوت گران توحيد بودند].

همينطور شاهد بوديم كه مساجد را بر بالاى مجاهدين و صالحين تخريب كرده اند ، طوريكه اين واقعه با برادر ما تركى الدندني رحمه الله و تقبله در مسجد الجوف رخ داد.

و قسميكه مسجد شيخ زاهد و عابد علامه الغريب عبدالكريم بن صالح الحميد فك الله أسره در بريدة تخريب كردند.

و اينكه در حق هزاران تن از علماء و دعوت گران و مجاهدين و مؤحدين چه ظلم هاى را مرتكب شده اند و ايشان را به زندان انداخته اند و بر جان ، مال و حدود ايشان تجاوز كرده اند كاملاً آشكار و واضح است و اگر خواستيد ميتواند از ايشان در باره زندان هاى الحائر ، و الرويس و الدمام و غيره...بپرسيد.

كه ازجمله اين زندانى ها مشايخ توحيد و جهاد مانند؛ علي الخضير ، ناصر الفهد ، الخالدي ، وليد السناني ، و آل زعير و فارس الزهراني ، عبدالكريم الحميد وغيره- فك الله أسرهم و ثبتهم — درين زندان هاى در اسارت ايشان قرار دارند.

اين بعضى از مصائب اين حكومت مرتد بود كه مختصراً يادآورى كرديم ، و جهت دانستن اسباب ارتداد و كفر بيشتر اين دولت طاغوتى به كتب كه درين زمينه تأليف گرديده است مراجع صورت گيرد ، مانند:

-الكواشف الجلية في كفر الدولة السعودية ، از شيخ علامة أبي محمد المقدسي — حفظه الله و فك أسره.

---

[22] . دليل كفر كشتن دعوت گران توحيد اين آية است: {**إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ**}.-**آل عمران-20-21**. (مترجم).

– التتار و آل سعود از شيخ شهيد – كما نحسبه – عبدالله الرشود رحمه الله و تقبله .
– رسالة إلى أهل الجنوب از شيخ فارس بن أحمد آل شويل الزهراني فك الله أسره و ثبته.
– نصحية إلى العساكر از شيخ فارس بن أحمد الزهراني.
– التبيان في كفر من أعان الأمريكان از شيخ ناصر الفهد– فك الله أسره و ثبته .
– وغيره كتب.

و در اخير: اى برادر محبوب اين را بدان كه حق واضح و آشكار است ، پس برحذر باش!! ازينكه بعضى از غلو كننده در علم ، و تاجران دين ، و فقهاء ى درهم و دينار ، آنانيكه دين خويش را در مقابل قيمت ناچيز بفروش رسانيده اند ، و بنام زاهد و عالم اشتهار يافته اند در حاليكه جهت طلب رضايت و بلند بردن مقام و قدرت طواغيت شرق و غرب ميكوشند؛ زيرا آنان اسباب مفسده دين و خسران آخرت ات ميباشد.
و كوشش كن كه از جمله طائفه اى منصوره تا قيام قيامت باشى ، آنانيكه استوار به أمر الله بوده و دشمنى و مخالفت هيچ كسى برايشان ضرر و آسيب نميرساند ، همانطوريكه راستگوى تصديق كننده اين خبر را براى ما داده است.
و اين چنين افراد كسانيكه هستند كه ايشانرا هرگز در مقابل دروازه هاى سلطان ، ويا در سعى و كوشش طلب مال و متاع دنيا نمى يابى، بلكه ايشان همواره در پشت ميله هاى زندان در تحت شكنجه هاى گوناگون ، و يا اينكه در مناطق جهاد فى سبيل الله و در بالاى كوه ها و خطوط مقدم حرب و قتال با دشمن در شرايط سخت مقابله و مقاومت قرار داشته اند.
و الله برادر و رفيق محبوب ما را أبي عبدالرحمن الأنصارى حفظ و رحمت اش كند آنجا كه ميگويد:

لو أن أهل العلم صانوه لصا   نموا ولكن دنسوه تجهما
أما الذي بالحق دوى صادعاً   أضحى قتيلاً أو سجيناً معمدما

پس عجله كن اى عبدالله بر پيوستن با قافله اى كه دين را نصرت ميدهد و با عزت تمام پيروز دنيا شو و با فخر تمام پيروز آخرت ، و اين همانا [الفوز العظيم] پيروزى بزرگ موعود الله عزوجل ميباشد.

الله همه ای ما را در حفظ و پناه خود از زیغ و ضلالت و جهل و عناد و اتباع سبیل مجرمین داشته باشد ، و ما را در جهت ادای امانات که بر بالای دوش خویش داریم کمك نماید.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

صلى الله على الرسول محمد ما طار طير في السماء و سلما

و ما را از دعاء های نیك خویش فراموش نکنید.

نوشته شده توسط:

المعتز بالله

أبو أسامة الغريب

محبس يوسف شتادت

ویانا- نمسا

شماره محبس:86023


لا إله إلا الله
الغربـاء
للإعلام
صدى الحق
-AR-
www.alghurabamedia-ar.jimdo.com
twitter.com/alghuraba_ar
facebook.com/alghuraba.media.ar
You Tube
youtube.com/alghurabamediaar